شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد

مدیرمسئول: سید میثم موسوی‌مهر

سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵

دفتر مرکزی: ۵-۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱

نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴

روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

۳شنبه

سال هفدهم

۲۵ شهریور ۱۴۰۴

۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۷

شماره ۴۵۷۶

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا	۳۵%	۱۴ ↓	۲۴ ↑
صبح	۱۷	ظهر	۲۴
عصر	۲۰	شب	۱۷

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۲۶:۱۷	نیمه شب شرعی	۲۲:۴۳:۴۱
غروب آفتاب	۱۷:۳۷:۳۵	اذان صبح فردا	۰۳:۵۰:۴۲
اذان مغرب	۱۷:۵۵:۵۱	طلوع آفتاب فردا	۰۵:۱۵:۴۷

اول شخص

قصاب صهیون

درباره «آریل شارون» نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی که ۳۳ سال پیش در چنین روزی قتل‌عام صبرا و شتیلا را رقم زد

مریم شیعه| تمام محله در غبار و زیر رگبار است. مردم نمی‌دانند سرانجام این جنگ چه می‌شود. آن‌ها نمی‌دانند در میانه میدان جنگ، چه می‌کنند. هیچ‌کس نمی‌داند چرا و چطور پای جنگ، به خانه‌هایشان کشیده شد و برای پایان این سردرگمی و خشونت عریان، چند روز و چند ساعت دیگر باید منتظر بمانند. صبرا و شتیلا دو محله کم‌برخوردار در جنوب غربی بیروت‌اند. ساکنانش پیش‌تر با فقر و گرسنگی دست‌به‌گریبان‌اند و حالا سایه جنگ هم روی سرشان آوار شده‌است. بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ فلسطینی از کشتار وحشیانه صهونیست‌ها به این محلات پناه آورده‌اند. جنگ‌زدگان در میان آوارهای محله، اردو زده‌اند و شب هنگام، وقتی نور منورها آسمان را روشن می‌کند، سایه‌های بلند و لرزانشان را روی دیوارها می‌اندازد. اوضاع فاجعه‌بار است. کودکان، زنان و مردان در بهت فرو ریختن خانه‌ها، کشته‌شدن عزیزان و رنج بی‌پایان این شب‌ها و روزها هستند. مردم فلسطین، آواره کوچه‌ها و خیابان‌هایی شده‌اند که برایشان تازگی دارد. این نخستین باری است که رژیم صهیون به بهانه سرکوب سازمان آزادی‌بخش فلسطین به خاک لبنان سرازیر می‌شود و جنگ، دامن این کشور را هم می‌گیرد. کم‌کم راه‌ها بسته می‌شود. رژیم صهیون صبرا و شتیلا را محاصره می‌کند. محاصره‌ای شدید که به قتل‌عامی وحشت‌آور منجر می‌شود. روز سوم محاصره و در بیست‌وپنجم شهریورماه ۱۳۶۱، آریل شارون تمام راه‌های فرار را می‌بندد و بعد برای اعضای فالانژ فرش قرمز می‌اندازد تا وارد صبرا و شتیلا شوند. آن‌ها، داعش مسیحیان‌اند؛ مسلح، بی‌رحم و خطرناک. فالانژ، رونوشتی از حزب نازی، نظم آلمان‌ها و رهبری هیتلر است که وقتی شارون به آن‌ها چراغ سبز نشان می‌دهد، یکی از فجیع‌ترین قتل‌عام‌ها را رقم می‌زند. چند هزار غیرنظامی در فاجعه صبرا و شتیلا برای روزهای متمادی گلوله‌باران می‌شوند و جوی خون در خیابان‌ها به راه می‌افتد.

وزارت به جای محاکمه

آریئل ساموئل مردخای شرایبر معروف به آریل شارون، قصاب صبرا و شتیلاست. وزیر دفاع اسرائیل که وقتی شورای امنیت سازمان ملل نام نسل‌کشی بر این کشتار می‌گذارد، اسم او در صدر متهمان قرار می‌گیرد. شارون، معمار تهاجم به لبنان است. او نام این عملیات را صلح برای جلیل می‌گذارد. اما وقتی بیروت به اشغال درمی‌آید و متحدان لبنانی اسرائیل، به اردوگاه آوارگان رگبار می‌بندند، نقاب صلح فرو می‌ریزد. قصاب، پس از این فاجعه مجبور به استعفا می‌شود اما از سیاست کنار نمی‌رود و سال‌ها بعد نخست‌وزیر این رژیم منحوس می‌شود. او به جای محاکمه، صندلی وزارت را به چنگ می‌آورد اما تاریخ سهم دیگری هم برای او کنار می‌گذارد. سهمی که تا ابد او را هم قطار یک فاجعه تمام‌عیار می‌داند. او عمر خود را صرف انسانیت‌زدایی از فلسطینیان می‌کند. پاسخ او به هر نوع مطالبه و حضور فلسطینی‌ها، خشونت سازمان یافته است. در دوره نخست‌وزیری، جرقه بسیاری از شهرک‌سازی‌ها را می‌زند، شهرها را می‌بندد، مانع جابه‌جایی فلسطینی‌ها می‌شود و برایشان منع رفت‌وآمد وضع می‌کند، شهرهای بسیاری را بازاشغال می‌کند و دورتادورشان دیواری می‌سازد که به آن «سپر دفاعی» می‌گوید. زندگی روزمره میلیون‌ها نفر به وضعیت محاصره دائمی شبیه می‌شود. او هم‌زمان می‌کشد و تخریب می‌کند و دیوار حائل می‌سازد. دیوان بین‌المللی دادگستری بارها و بارها او را محکوم می‌کند، اما هیچ یک از این محکومیت‌ها ضمانت اجرایی ندارد. زیست فلسطینی‌ها پس از اقدامات وحشیانه شارون، پرهزینه‌تر و بی‌ثبات‌تر می‌شود. شارون، سرزمین فلسطینی‌ها را تکه تکه می‌کند، اقتصادشان را لگدمال می‌کند و روزمره‌شان را زیر سایه محاصره، از نو تعریف می‌کند. یورش‌های شبانه، امان فلسطینی‌ها را می‌برد.

تکرار تاریخ

اگر امروز، در میان تصاویر بهت‌آور از غزه، دوباره از صبرا و شتیلا حرف می‌زنیم، نه برای همسان‌سازی ساده‌انگارانه که برای دیدن یک الگوست. محاصره، تنبیه جمعی، واگذاری میدان به نیروهای واسطه و مهم‌تر از همه، بی‌کیفر ماندن، مسئله‌ای است که پس از سال‌ها هنوز هم به رنج مردم فلسطین دامن می‌زند. سال‌ها پس از آن کشتار، پیگری‌های حقوقی بین‌المللی به در بسته خورد یا نیمه‌کاره ماند؛ قربانیان ماندند و قاب عکس‌هایشان، به همراه چند صفحه گزارش که در قفسه‌ها پیر شد. الگوی صبرا و شتیلا امروز با واژگانی نو، از قبیل «پاک‌سازی» تا «ساخت منطقه امن» در حال تکرار است تا واقعیت را بپوشاند. امروز محاصره کامل غزه، بدون برق، بدون غذا و بدون سوخت از سوی وزارت دفاع اسرائیل، زندگی دو میلیون غیرنظامی را به ورطه نابودی کشانده است و درهم‌کوبی زیرساخت‌ها و قحطی گسترده، خبر از خطری قریب‌الوقوع می‌دهد. امروز اسرائیل با هم‌دستی غرب و بازبانی بروکراتیک‌تر، دست به جنایت می‌زند و روح سیاست‌هایش همان است که در طول تاریخ نوپای خود بود؛ هشتاد سال جنگ، خشونت و کشتار. امروز که وجدان‌ها در سراسر دنیا رو به بی‌حسی می‌رود، باید هوشیارانه با زبان زور روبه‌رو شد. سوگواری راه چاره نیست، روایت‌های تازه نیاز است. روایت‌هایی که از تکرار خشونت و عادی‌سازی آن جلوگیری کند. شارون در سال ۲۰۰۶ دچار سکته مغزی شدید شد و پس از سال‌ها اغما در سال ۲۰۱۴ مرد، هرچند صهیونیست‌ها هنوز او را به زور دستگاه حیاتی نباتی نگه داشته‌اند. امروز شارون‌های بسیاری در مرزهای سرزمین‌های اشغالی زیست می‌کنند. مرور سالروز صبرا و شتیلا، به‌ویژه در این روزگار، یک مناسبت تاریخی خشک و دور نیست؛ آزمون همیشگی ماست برای اینکه آیا از تاریخ فقط تاریخ می‌سازیم یا در آن، معیارهای اخلاقی و حقوقی را هم به کار می‌بندیم تا چرخه بی‌کیفرمانی را بشکنیم.

شارون در محل جنایت

تصاویری از اردوگاه‌های صبرا و شتیلا پس از به شهادت رسیدن پناهندگان فلسطینی توسط صهیونیست‌ها

کارتون شهر

بودجه سالیانه برای بیابان زدایی در استان تنها کفاف ۲۰ تا ۲۵ هزار هکتار را می‌دهد. در حالی که یک میلیون و ۲۶۰ هزار هکتار مساحت کانون‌های بحرانی در خراسان رضوی است.

رضا جنگی

منبع: شهرآرا

شهربازار

درباره معبری که مغازه‌هایش یک‌درمیان، پرنده‌فروشی است

راسته عشق‌بازها

حسن احمدی‌فرد
روزنامه‌نگار

کاروان‌سرای آن طرف میدان شهدا را که خراب کردند، کاسب‌هایش، پراکنده شدند در راسته میدان شهدا تا دروازه قوچان. کاروان‌سرا به شکل قابل توجهی، جان سالم به در برده بود از چندین و چند موج تخریب و صاف آمده بود تا روزگار ما. یکی دو تا مغازه نجاری و تیروتخته و نردبان داشت و یکی دو تایی خشکبارفروشی، اما مشتری‌ها، کاروان‌سرای آن طرف میدان شهدا را به چیز دیگری می‌شناختند؛ به پرنده‌فروشی‌هایش. درباره معبری که مغازه‌هایش یک‌درمیان، پرنده‌فروشی است چندین و چند نسل عادت کرده بودند که اگر خواستند مرغ و خروسی برای خانه بخرند یا چندتایی جوجه بیاورند و بزرگ کنند یا به سرشان افتاده بود که کبک و کرّک (بلدرچین) بگیرند صاف بیایند به کاروان‌سرای آن طرف میدان شهدا. کاروان‌سرا را که خراب کردند و شد بوستان، مرغ و جوجه‌فروشی‌ها پراکنده شدند در راسته میدان شهدا تا دروازه قوچان. همه آن‌هایی که یک وقتی گذرشان افتاده بود به کاروان‌سرا خیال می‌کردند با خراب شدنش، بساط پرنده‌فروشی‌ها جمع می‌شود و می‌رود قاتی باقی خاطره‌ها، اما پرنده‌فروشی‌ها ماندند و جان گرفتند و سروشکل عوض کردند و آرام آرام راسته‌ای دست‌وپا کردند برای خودشان. حالا از میدان توحید که با اغماض و احتمال می‌توان آنجا را دروازه قوچان خواند تا خود میدان شهدا، بیشتر مغازه‌ها، دست پرنده‌فروش‌هاست. نه که جوجه‌مرغ و جوجه بلدرچین و کبک و جل (چکاوک) آنجاها پیدا نشود اما حالا، پرنده‌فروشی‌ها پر است از قفس قناری و مرغ عشق و عروس‌هلندی. حالا پرنده‌بازی، شکل عوض کرده. حتی اسمش هم چیز دیگری شده. پرنده‌بازها اسم خودشان را گذاشته‌اند عشق‌باز. راسته دروازه‌قوچان تا میدان شهدا، حالا راسته عشق‌بازهاست.

قناری‌های فری‌پاریسی و و جیور و گلاستر و کرست، مرغ عشق‌های فلو و دارچینی و اُپالین، عروس‌هلندی‌های آلبینو و لوتینو و ابلق و خاکستری؛ کاسکو و کوتوله و کاکادو. پرنده‌فروشی‌های راسته عشق‌بازها، پر است از سر و صدای همین پرنده‌ها. صدا به صدا نمی‌رسد در این مغازه‌ها. کاروان‌سرای آن طرف میدان شهدا، در قالب همین مغازه‌ها، هنوز زنده است.

عکس روز

زنگ خطر رنگ قرمز هوا

چند روز پیش خبری منتشر شد مبنی بر اینکه آلودگی هوای مشهد آن‌قدر زیاد شده مثل این است که هر شهروند روزی شش نخ سیگار بکشد. اگر گذرتان افتاد به میدان استقلال و تابلو شاخص کیفیت هوا توجهتان را جلب کرد می‌بینید که هوا ناسالم است و رنگ قرمزش زنگ خطر. حالا برای چهاردهمین روز پیاپی هوای شهرمان آلوده است. تنها کاری که از دستمان برمی‌آید شاید این باشد که تلفن کنیم به پدرها و مادرهایمان و ازشان بخواهیم تا حد امکان از خانه بیرون نروند.

عکس: حدیث فقیری/ شهرآرا

شوخی بی‌شوخی

بارور کردن ابرهایی که باریدن را باور دارند!

مهدی محمدی
طنزپرداز

سازمان توسعه و بهره‌برداری فناوری‌های نوین آب‌های جوی، با اعلامیه‌ای که بوی امید و البته یک ذره ناامیدی می‌دهد، از انجام ۳۷ پرواز عملیاتی بارورسازی ابرها با هواپیمای آنتونوف و ۵۰ پرواز با پهپادهای پیشرفته در سال آبی اخیر خبر داد. این یعنی مجموعا ۷۸ بار برای تحریک و تشویق آسمان به باران‌زایی به بالا رفته‌ایم! اما از آنجا که با این همه تلاش طاقت‌فرسا، آسمان همچنان روی خوش نشان نداده و مشکل خشک‌سالی، مثل همیشه، دست از سر ما برنمی‌دارد، از مسئولان محترم مربوط خواهشمندیم هنگام بارورسازی ابرها به نکات زیر که حاصل سال‌ها تجربه عملیاتی (و البته تماشای بی‌شمار فیلم علمی-تخیلی و مستندهای راز بقای ابرها!) است، توجه ویژه مبذول فرمایند:

۱. پلیس هوایی: دیگر نمی‌توان ابرهای بارور شده را به امان خدا رها کرد! پیشنهاد می‌شود بلافاصله پس از عملیات بارورسازی، آنتونوف‌ها در آسمان، نقش یک «پلیس هوایی تمام‌عیار» را ایفا کنند و کنار ابرهای تازه بارور شده، نگهبانی دهند. این تدبیر لازم است تا مبادا ابرهای عزیز ما، از سر غفلت یا وزش بادهای ناگهانی، از مرزهای کشور خارج شده و خدایی ناکرده در دشت‌های خشک کشور همسایه، برای شترهای آنجا ببارند! اگر هم امکان استقرار دائمی پلیس هوایی نیست، روی هر ابر بارور شده، یکی دو تا آجر قرار دهید تا باد نتواند آن را این کشور و آن کشور ببرد و بارانمان دقیقا همینجا، روی سر خودمان ببارد.

۲ تفکیک ابربدهکار و ابرکومولوس: این نکته از اهمیت حیاتی برخوردار است! هنگام بارورسازی ابرها، لطفا نهایت دقت را به خرج دهید که اشتباهی «ابربدهکاران» عزیز بارور نشوند! تعداد این قشر خاص، همین حالا هم بیش از حد تحمل اقتصاد و اعصاب ماست و به هیچ وجه نباید حتی یک نفر دیگر به جمعیتشان اضافه شود. بارورسازی فقط و فقط مختص ابرهایی باشد که فاقد هرگونه پرونده مالی هستند!

۳. تنظیمات پیشرفته و «کالیبراسیون» بارش: دیگر دوره بارش‌های خودسرانه و بی‌برنامه گذشته است! قبل از هرگونه اقدام، متخصصان باید وارد «منوی تنظیمات پیشرفته اصلی» هر ابر شوند و مدت بارش را به زیر پانزده دقیقه و آن هم از نوع «نم‌نم هوشمند» کاهش دهند. این کار نه‌تنها از بروز سیلاب‌های ناخواسته و آب‌گرفتگی سطح معابر جلوگیری می‌کند، بلکه باعث می‌شود ابر برای «باروری‌های مجدد و زایمان‌های متوالی» آماده‌تر باشد.

۴. مراقبت‌های پس از باروری: این مورد شاید عجیب به نظر برسد، اما واقعا جدی است! با توجه به مشاهده پروازهای مکرر برخی از «سیروسلوک‌کنندگانِ هوایی» (معتادان محترمی که پس از استنشاق و مصرف، آسمان تشریف می‌برند!) باید تیم‌های مراقبتی ویژه تشکیل شود. این تیم‌ها وظیفه دارند اطمینان حاصل کنند که پای این عزیزان به هیچ وجه به ابرهای بارورشده نخورد، تا مبادا این «مادران آینده باران»، دچار سقط جنین ابری شوند و تمام زحمات ۷۸ پرواز به باد فنا برود. امید است با رعایت مو به موی این توصیه‌های «کاملاً علمی» و البته کاربردی، بالاخره شاهد بارش سه چهار قطره باران از آسمان باشیم!